

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم

در رسم اعطای تیول (عصر ناصری)

مهدی میرکیایی*

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵)

چکیده

شیوه‌های گوناگون مقاومت فرودستان در برابر گروه‌های حاکم از موضوعاتی است که در مطالعات تاریخ ایران کم‌تر به آن پرداخته شده است. رسم اعطای تیول که از دیرباز در دیوان‌سالاری ایران جایگاه درخور اعتنایی داشت در دوره قاجاریه، فرصت‌هایی را در اختیار رعایا قرار می‌داد تا از تیولداران و حکام ولایات امتیازگیری کنند. پرسش این است که رسم اعطای تیول، چگونه به اختلاف و کشمکش گروه‌های حاکم منجر می‌شد و رعایا چگونه از این اختلاف‌ها بهره می‌بردند؟ دربار قاجاریه که همیشه با تقلب‌های فراوان حاکمان ولایات در ارسال مالیات به خزانه روبه‌رو بود با اعطای تیول به برخی موجب‌بگیران و کارگزارانش، بخشی از زمین‌ها را از دسترس حکام ولایات خارج می‌کرد؛ وضعیتی که به هیچ وجه موافق میل آن‌ها نبود، اما دربار از سوی دیگر با تقلب تیولداران نیز مواجه می‌شد. ناصرالدین شاه با مشروط کردن اعطای تیول به رضایت رعایا تلاش می‌کرد تیولداران را هم مهار کند. به این

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

*mehdimirkiaei@atu.ac.ir

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۱۰۱-۰۳۷۸>

ترتیب، امکانی برای رعایا به وجود می‌آمد که بین تیول‌دار و حاکم ولایت یا بین دو تیول‌دار، فرد منصف‌تر را انتخاب کنند یا مباشران و گماشتگان تیول‌داران را تغییر دهند یا تنها رفتار آن‌ها را تصحیح کنند. چارچوب نظری پژوهش برگرفته از نظرات پاتریشیا کرون درباره ویژگی‌های حکومت‌های پیشامدرن است. این پژوهش با روش علی و با تکیه بر اسناد درجه اول، به ویژه اسناد مجلس تحقیق مظالم، انجام شده است. هدف از این پژوهش، روشن شدن بخشی مغفول از تاریخ فرودستان و تشریح رفتار ایشان در برابر نخبگان حاکم برای تعدیل بهره‌کشی‌هاست. پیش از این، مطالعه‌ای که به استفاده رعایا از تعارض منافع گروه‌های حاکم دوره قاجاریه در رسم اعطای تیول پرداخته باشد انجام نشده است.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، تیول، دولت پیشامدرن، فرودستان، دیوان‌سالاری، عصر

ناصری.

مقدمه

بررسی کنش‌های فرودستان در مواجهه با بهره‌کشی گروه‌های مسلط، از حوزه‌هایی است که در پژوهش‌های تاریخی ایران کم‌تر به آن توجه شده و معمولاً به انفعال رعایا در برابر نخبگان حاکم و استثمار مطلق ایشان توسط گروه‌های مسلط اشاره شده است، اما با مطالعه و دقت بیشتر می‌توان دریافت که رعایا نیز برای به حداقل رساندن تصاحب دسترنجشان توسط فرادستان و تعدیل بهره‌کشی‌ها از برخی فرصت‌ها بهره می‌گرفتند و در برابر گروه‌های حاکم یکسره منفعل نبودند. رسم اعطای تیول یکی از رسوم و روش‌های دیرپا در دیوان‌سالاری ایران بود که در دوره قاجاریه، عصر پیشامشروطه، فرصت‌هایی را در اختیار روستاییان قرار می‌داد تا بتوانند از حکام ولایات و تیولداران امتیازهایی بگیرند.

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

شاه همواره با تقلب‌های حاکمان ولایات در گردآوری مالیات مواجه بود و از سویی هنگامی که بخشی از زمین‌ها را از نظارت و دسترس آن‌ها خارج می‌کرد و در اختیار تیولدار قرار می‌داد با نیرنگ‌ها و زیاده‌ستانی‌های تیولدار روبه‌رو می‌شد. از طرفی حاکم ولایت نیز از رسم تیول که اختیار زمین‌های وسیعی را از دست او بیرون می‌کشید ناراضی بود. این تعارض منافع بین سه گروه از نخبگان حاکم یعنی دربار، حاکم ولایت و تیولدار و کشمکش هر یک از آن‌ها برای ناکام گذاشتن دیگری، فرصتی را به فرودست‌ترین بخش جامعه یا رعایای روستاها می‌بخشید تا از بخشی از حقوق خود پاسداری کنند و زورستانی‌های حاکم ولایت و تیولدار را به حداقل برسانند.

پرسش این جاست که رسم اعطای تیول چگونه به تعارض منافع و کشمکش بین دربار، حاکم ولایت و تیولدار می‌انجامید و رعایا چگونه می‌توانستند با بهره‌برداری از این کشمکش‌ها، استثمار نخبگان حاکم را تعدیل کنند؟

فرضیه ما این است که اختلاف حاکمان ولایات با تیولداران از سویی و تلاش این دو برای فریب شاه از سوی دیگر و کوشش شاه برای نظارت بر این دو با استفاده از عرایض رعایا که به مجلس تحقیق مظالم ارسال می‌شد، فرصت‌هایی را در اختیار رعایا قرار می‌داد تا از بهره‌کشی‌ها بکاهند.

دیدگاه نظری پژوهش برگرفته از آرای پاتریشیا کرون درباره حکومت‌های پیشامدرن و ساختار شکننده آن‌هاست. در این دیدگاه، بر ضعف حکومت‌های پیشامدرن در نظارت بر سراسر قلمرو آن‌ها تأکید شده؛ وضعیتی که فرصت نافرمانی‌ها، تقلب‌های گسترده و نیز فساد فراوانی را چه در میان حکام ولایات و چه دیوانیان پدید می‌آورد. تعارض منافع گروه‌های مسلط در رسم اعطای تیول، ناظر به تلاش هر یک از

ایشان بر کسب منفعت بیشتر است که وظایف دیوانی‌شان را تحت تأثیر قرار داده و منافع سایر گروه‌های حاکم را تهدید می‌کرد.

روش ما در این پژوهش، روش علی با تکیه بر اسناد درجه اول، به‌ویژه اسناد مجلس تحقیق مظالم است. پیش از این، پژوهشی که به بهره‌گیری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم عصر قاجاریه در رسم اعطای تیول پرداخته باشد صورت نگرفته است.

چارچوب نظری

توصیف هندسه قدرت در جهان پیشامدرن و تشریح روابط قدرت در آن، یکی از دغدغه‌های اصلی پاتریشیا کرون در کالبدشکافی جوامع ماقبل صنعتی است. ساختار حکومت‌ها، علل تداوم یا فروپاشی آن‌ها و ارتباطشان با سایر ارباب قدرت و توده‌ها از مهم‌ترین مباحث دیدگاه کرون پیرامون حکومت‌های پیشامدرن است. «ساختار شکننده» نخستین ویژگی است که وی در تحلیل ساختار این حکومت‌ها به آن‌ها نسبت می‌دهد. ضعف در هماهنگی نیروها و هدایت و نظارت بر آن‌ها ساختار این حکومت‌ها را ضعیف و شکننده کرده بود (کرون، ۱۳۹۳، ص. ۷۹). این شکنندگی معلول سه عامل بود: فقدان ابزارهای خبررسانی و ارتباطی پیشرفته، دشوار بودن حمل و نقل و کمبود امکانات و سرمایه (همان، ص. ۷۹). ابتدایی بودن وسایل حمل و نقل و دشواری جابه‌جایی افراد و کالاها از قدرت حکومت‌ها در واکنش سریع به آنچه در مناطق دور از مرکز می‌گذشت می‌کاست. از طرفی ابتدایی بودن وسایل خبررسانی و ارتباطی سبب می‌شد حکومتگران همواره از وضعیت دقیق قلمرو خود بی‌خبر باشند. تمثیل‌هایی همچون آینه خلیفه که منصور عباسی با نگریستن به آن دشمنانش را در هر جایی می‌دید یا جام جم، گواه آرزوی دیرینه حکام پیشامدرن برای داشتن اطلاعات صحیح و

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

به‌روز بود. بنابراین قدرت حکومت‌های پیشامدرن، به‌ویژه در بخش‌هایی از قلمرو آنها که از مرکز حکومت دور بودند، با دو مشکل همیشگی روبه‌رو بود: «عمقی نداشت و استوار نبود» (همان، ص. ۱۱۰). در چنین وضعیتی، نمی‌توان قدرت حاکمان پیشامدرن را واقعاً مطلق به‌شمار آورد، آنها تنها در موارد اندکی می‌توانستند کارگزاران یا توده مردم را به شکل کامل محدود و مهار کنند (همان، ص. ۸۹). از طرفی کندی خبررسانی در جهان پیشامدرن و همچنین دشواری جابه‌جایی نیروها همواره باعث می‌شد قدرت قابل اعتنائی در اختیار مقامات محلی باشد (همان، ص. ۸۹). دربارها و حکومت‌های مرکزی، روش‌های گوناگونی را برای نظارت بر مقامات محلی تجربه می‌کردند، اما «هیچ‌گاه نظارت دقیق بر امور دور از مرکز امکان‌پذیر نبود» (همان، ص. ۹۰). مجازات‌های هولناکی که برای سرکشان محلی در نظر گرفته می‌شد بیشتر از آن رو بود که حکومت مرکزی همواره قادر به حضور در مناطق دوردست نبود و باید درس عبرت وحشتناکی را برای آیندگان تدارک می‌دید. این مجازات‌های خشن که با نیت بازدارندگی انجام می‌شد درواقع نشان از ضعف حکومت در کنترل مناطق دوردست داشت (همان، ص. ۱۰۴). «نارسایی و ضعف ساختارهای حکومتی، هم شاه و هم کارگزارانش را از عملی کردن سیاست‌هایشان در گستره‌ای وسیع محروم می‌کرد و سیطره آنان را بر جامعه تحت حاکمیتشان دشوار می‌ساخت» (همان، ص. ۹۰). شاه در این وضعیت تنها به دربار و اطرافیانش مسلط بود. حکومت همواره فرمان‌هایی صادر می‌کرد، اما اجرای آنها به همراهی رهبران مذهبی، ریش‌سفیدان روستاها، ملاکان بزرگ، روسای اصناف، تجار و روسای ایلات و قبایل وابسته بود [...] او در میان مجموعه‌ای از حاملان قدرت به سر می‌برد (همان، ص. ۹۰).

قدرت شاه فقط به وسیله نخبگان و حاکمان محلی محدود نمی‌شد، بلکه در بیشتر اوقات، محافل و شبکه‌هایی در حاشیه یا درون دربار شکل می‌گرفت که بر تصمیم‌گیری شاه تأثیر می‌گذاشت. قدرت قابل توجهی که شاه در مرکز کشور داشت برای کسانی که به آسانی به او دسترسی داشتند امتیاز بزرگی به شمار می‌رفت (همان، ص. ۱۱۶). اما این اشخاص نیز بدون شبکه‌ها و محافل پیچیده‌ای که درون دربار پدید می‌آوردند توان فعالیت نداشتند و پشت سر بیشتر آن‌ها تشکیلات وسیعی وجود داشت که از عامه مردم تا مقامات محلی به آن‌ها متوسل می‌شدند و همین امر بر قدرت و نفوذ این افراد و تشکیلات گسترده‌ای که پشت آن‌ها بود می‌افزود (همان، ص. ۱۱۷) و رقیب دیگری برای قدرت ظاهراً مطلق شاه پدید می‌آورد.

اما آنچه سبب‌ساز نگرانی بیشتر شاه می‌شد همکاری و همراهی این دو نیرو بود؛ از یک سو دیوان‌سالاران حکومت مرکزی و محافل درون دربار و از سوی دیگر حاکمان و نخبگان محلی. مقامات محلی به منبع اصلی ثروت که بخش اعظم آن در بیشتر جامعه‌های پیشامدرن به زمین‌های کشاورزی اختصاص داشت دسترسی داشتند و دیوان‌سالاران به دفتر و دیوان که می‌توانستند تصویری از میزان دارایی حاکمان محلی را آن گونه که مطابق میلشان بود به شاه ارائه کنند. این دو دسته با تبانی، حجم بزرگی از مازاد تولید روستاها را، پیش از آن که به دربار برسد، می‌بلعیدند. بی‌ثباتی مقامات و مناصب در حکومت‌های پیشامدرن، که ماندن آن‌ها در قدرت تنها به نظر و رأی شخص شاه بستگی داشت، در پدید آمدن چنین وضعیتی مؤثر بود و باعث می‌شد همه دارندگان مناصب، در سطوح مختلف، به شکلی عمل کنند که اصطلاحاً از آن به‌عنوان حکومت غارتگر یاد می‌شود (همان، ص. ۱۰۸). مقامات کشور در این موقعیت تلاش

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

می‌کردند پیش از آن‌که مناصب خود را از دست دهند ثروت بیشتری را اندوخته کنند و به این ترتیب تمام تشکیلات و ساختار سیاسی گرفتار فساد می‌شد (همان، ص. ۱۰۸).

در کنار حلقه‌های گوناگون نخبگان که قدرت شاه را با چالش روبه‌رو می‌کرد بعضی پیوندهای افقی در میان توده‌های مردم نیز نیروهایی تهدیدآمیز برای دربار به‌شمار می‌رفت. به تعبیر پاتریشیا کرون حکومت‌های پیشامدرن «حداقلی» بودند (همان، ص. ۱۱۰) و زیر بار بسیاری از وظایفی که حکومت‌های مدرن به عهده گرفته‌اند نمی‌رفتند. به همین علت، همواره زمینه‌ای برای رشد گروه‌های خودسامان وجود داشت. این گروه‌ها با همیاری افراد شکل می‌گرفتند و بسیاری از وظایفی را که امروز نهادهای دولتی و حکومت‌ها به انجام می‌رسانند برعهده داشتند (همان، ص. ۱۰۰). این گروه‌ها در قالب خانواده‌های بزرگ و عشیره‌ها، اصناف، محافل، انجمن‌های مخفی یا حتی سازمان‌های فرقه‌ای ساماندهی می‌شدند (همان، ص. ۱۰۵). دربارها همواره به این پیوندها و گروه‌های خودسامان بدبین بودند و از نیرومند شدن آن‌ها هراس داشتند. از آنجا که «حکومت ضریب نفوذ عمیقی در جامعه نداشت» (همان، ص. ۱۰۸) پس تنها می‌توانست در «سطحی‌ترین لایه‌ها» به هدایت و تنظیم امور پردازد و بر رخدادهای اعماق جامعه تسلط نداشت. پس به هر تحولی که در لایه‌های ژرف‌تر جامعه روی می‌داد بسیار بدبین بود (همان، ص. ۱۰۹) و تلاش می‌کرد عامه مردم را در وضعیت «عدم یکپارچگی» و «انفعال سیاسی» نگه دارد (همان، ص. ۱۰۹). تقویت پیوندهای افقی بین توده‌های مردم، کم‌ترین خطری که برای حکومت داشت افزایش توان چانه‌زنی آن‌ها با نخبگان حاکم بود و در بدترین وضعیت، به سازماندهی اعتراض‌های وسیع و شورش‌های گسترده منجر می‌شد (همان، ص. ۱۳۵).

بر این اساس، مهار و محدود کردن تمام این نیروها از نخبگان محلی گرفته تا دیوانسالاران و نیز توده‌هایی که با نیرومندسازی پیوندهای افقی در پی پدید آوردن وزنه‌ای جدید در مناسبات قدرت بودند به دل‌مشغولی همیشگی حکومت‌های پیشامدرن تبدیل می‌شد که هر یک در جست‌وجوی چاره‌ای برای آن بودند و تلاش می‌کردند بر قدرت اعمال اراده دربار، تا دورترین نقاط قلمرو آن و نیز عمق جامعه، بیفزایند.

افزون‌براین، حکومت‌های پیشامدرن حکومت‌هایی حداقلی به شمار می‌رفتند؛ به این معنا که حکومت، دخالتی حداقلی در رفع مشکلات مردم داشت. این وضعیت، نه تنها ناشی از این امر بود که حکومت، بسیاری از وظایف دولت‌های امروزی را اصلاً به عهده نمی‌گرفت، بلکه سه مشکل عمده حکومت‌های پیشامدرن (ضعف اطلاع‌رسانی، دشواری حمل و نقل و کمبود امکانات و سرمایه) نیز آن را تشدید می‌کرد. چنین شرایطی به شکل‌گیری گروه‌های خودسامان در بین مردم منجر می‌شد که گاه در موضوعاتی همچون ارتباط با حکومت، عریضه‌نگاری و حتی اعتراض و بست‌نشینی جلوه‌گر می‌شدند.

رسم اعطای تیول در عصر قاجاریه

رسم اعطای تیول در دوران قاجاریه از مظاهر آمیختن مناسبات ارضی و اقتضائات دیوانسالارانه است که براساس آن، عواید یک روستا یا یک منطقه به خزانه دولت واریز نمی‌شد و برخی افراد، مالیات این مناطق را به جای موجب خود دریافت می‌کردند. در روش اعطای تیول «حق انتفاع از ملک را به جای حقوق و موجب به‌طور موروثی یا مادام‌العمر اعطا می‌کردند» (لمبتن، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۱). البته همیشه درآمد این

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

زمین‌ها به جای حقوق و مواجب در نظر گرفته نمی‌شد و گاه عطیه‌ای از جانب حکومت به اشخاص بود (لمبتن، ۱۳۷۷، ص. ۲۹۲).

گاهی نیز تیول یک منطقه مشخص برای بخشی از سازمان‌های لشکری و کشوری معین می‌شد تا به هر کس که مسئولیت آن بخش را عهده‌دار شود تعلق گیرد: «مثلاً دولت‌آباد، بین حضرت عبدالعظیم و تهران، تیول فراشخانه یا بومهن دماوند تیول سوارهای کردبچه بود» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ ص. ۴۸۸).

عین‌السلطنه سالور نیز به نمونه دیگری اشاره می‌کند: «قریه کرج، تیول فراشخانه و الان دست حاجب‌الدوله جعفرقلی خان قاجار است» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۲/ ص. ۶۰۹).

در مواردی اندک، تیول به بخش دیگری از درآمدهای دولت نیز تسری پیدا می‌کرد مثلاً شاه «مالیات یهودی‌ها را به یکی از پزشکان شخصی‌اش و مالیات زرتشتی‌ها را به وزیر امور خارجه اختصاص می‌داد» (روششوار، ۱۳۷۸، ص. ۷۶).

دریافت تیول، امتیازی برای کارگزاران حکومت به‌شمار می‌رفت چون در غیر این صورت، مواجب آن‌ها با صدور برات‌هایی به حکومت ولایات مختلف حواله می‌شد که وصول آن‌ها در بسیاری موارد دشوار بود. این افراد که «دستی بگیر» نامیده می‌شدند گاه مجبور می‌شدند برات خود را با قیمتی کم‌تر از ارزش واقعی آن به دیگران بفروشند و از خیر دریافت آن از حکومت ولایت بگذرند: «وصول مواجب از ولایات، نفوذ زیاد یا رفاقت کامل با وزیر و حاکم ولایت لازم داشت و مردم بی‌دست‌وپا ناچار بودند قبض حقوق خود را با تومانی سه، چهار قران کسر به مستوفی‌ها یا پیشکاران حکام بفروشند» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ ص. ۴۸۹). شاهزاده قهرمان میرزا عین‌السلطنه سالور درباره براتی که در دست داشته و موفق به وصول آن نشده است می‌نویسد:

عصر رفتم کامرانیه خدمت آقا [کامران میرزا نایب‌السلطنه]. صد تومان جزو نظام موجب دارم. کاش هرگز نداشتم. امسال را چهل تومان کسر کرده، مابقی را گرفتم. سال گذشته را نداده‌اند. تا این برات در جیب من است راحت نیستم. هی می‌خواهم بلکه وصول شود. تا حال هم هفت مرتبه دکان صحاف رفته و صحافی شده. تکان اگر بدهی هزار تکه می‌شود. پدرسوخته گم هم نمی‌شود من آسوده شوم (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۱/ ص. ۶۰۴).

از همین رو دیوانیان و حتی شاهزادگان عموماً به دنبال دریافت تیول بودند تا هر سال در موعد گردآوری مالیات‌ها موجب خود را مستقیماً و بدون دردسر از عواید زمین‌های تیولی دریافت کنند. عریضه مهدی قلی خان مجدالدوله به ناصرالدین شاه نمونه‌ای از این دست است: «قریه فشم که جزو بلوک ساوجبلاغ است سابقاً همیشه تیول بوده، این اوقات جزو حکومت شده. چون خانه‌زاد از دیوان اعلی دستی بگیر است استدعا از خاک پای مبارک چنان است که قریه مزبور به تیول این خانه‌زاده مرحمت شود» (عبدامین، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۰).

در آغاز حکومت مظفرالدین شاه نیز هنگامی که موقتاً اعلام شد حواله‌ای از دیوان صادر نشود اضطراب زیادی دستی‌بگیرها را فرا گرفته بود: «قدغن کرده‌اند مالیات دیوان حواله نشود. از مباشرین جزء و کل التزام گرفته شود دخل و تصرفی نکنند تا کتابچه دستورالعمل برسد. اهالی هر ولایت متزلزل می‌باشند، همین طور دستی‌بگیرها» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۱/ ص. ۱۱۹۸).

محمد شاه نیز در نامه‌ای به حاج میرزا آقاسی درباره اعطای تیول به خادمان همسرش، مهد علیا، می‌نویسد: «بهتر از تیول دیگر چه قرار است در دنیا؟ همه موجب را که تیول داده ایم» (نوایی، ۱۳۸۰، صص. ۲۸-۳۱).

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

شاه در کشمکش با حکام ولایات

نظام اعطای تیول در شرایطی اجرا می‌شد که حکومت قاجاریه همچون همه حکومت‌های پیشامدرن تسلط کاملی بر مناطق دور از مرکز نداشت و اطلاع دقیقی از آنچه در ولایات رخ می‌داد به دربار نمی‌رسید. این وضعیت، آزادی و اختیاری را به حکومت ولایات می‌بخشید که دور از چشم شاه، در ارسال مالیات به خزانه به انحاء مختلف، حکومت مرکزی را فریب دهند: «حکومت غالباً قادر نبود از اقدامات حکام ایالات، تیول‌داران و اشراف محلی به‌طور مؤثر جلوگیری نماید» (لمبتن، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۲).

در وضعیتی که دربار نمی‌توانست اشراف دقیقی بر آنچه در ولایات می‌گذشت داشته باشد حکام ولایات و گماشتگان آن‌ها فرصت می‌یافتند از رعیت زیاده‌ستانی کنند و در این میان کم‌ترین بهره به حکومت مرکزی می‌رسید:

حکام ولایات بیش از دیگران به این گونه داد و ستد می‌پردازند. بر اساس اهمیت محل، یک میرزا، یک مستخدم یا یک سرباز را به دهی که باید مالیات بپردازد می‌فرستند که مأموریت دارد علاوه بر دولت که طلبکار واقعی است مبلغی هم برای حاکم و نماینده‌اش وصول کنند [...] نماینده برای خودش تقریباً دو سوم آنچه را که ابتدا خواسته بود به دست می‌آورد [...] حاکم به استثنای یک کاهش جزئی به آنچه خواسته است دست می‌یابد، اما در این میان، سهم دولت از همه کم‌تر است (گویینو، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۱).

دیوانیان ولایات، هر یک به فراخور جایگاه خود، بهره‌ای از زورستانی‌ها داشتند: «والی، مالیات را در مقابل مبلغی به نفر دوم واگذار می‌کند که مبلغ تفاوت، مداخل شخصی اوست و به همین نحو حاکم از ضابط و او هم از تحصیل‌دار مبلغی دریافت می‌دارد» (کرزن، ۱۳۷۳، ج. ۱/ص. ۵۷۶).

یکی از تقلب‌های حکومت ولایات و نایب‌الحکومه شهرها آن بود که تخفیفی را که دربار در مالیات‌ها در نظر می‌گرفت به رعایا اعلام نمی‌کردند و مالیات کامل را دریافت کرده، تخفیف اعطایی را خود بر می‌داشتند: «شخص حاکم تخفیف به‌دست‌آمده را با خیال راحت به جیب می‌زند و از تک تک مالکان، مالیات را به تمام و کمال وصول می‌کند و آن را به اصطلاح بالا می‌کشد» (پولاک، ۱۳۶۸، ص. ۳۵۲).

شاه از این نیرنگ‌ها بی‌خبر نبود و مخصوصاً تلاش می‌کرد رعایا از تخفیف‌های دربار مطلع شوند تا حکام نتوانند کلاهی بر سرش بگذارند. درباره تخفیفی که به مالیات ملایر تعلق گرفته بود به میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک می‌نویسد: «در باب تخفیفی که به ملایر داده شد نمی‌دانم چه قرار دادید که درست به رعیت برسانند. احکام که صادر شد البته در ملایر در منابر و مساجد باید خوانده شود و گوشزد همه شود که فلان قدر تخفیف امسال و سال‌های دیگر از تفاوت عمل داده شده است. البته کمال دقت را داشته باشید که به گوش همه ملایری‌ها برسد و کسی نتواند زیادتیی بکند» (سعیدی، ۱۳۸۸، ص. ۹۹).

شاه در کشمکش با تیولداران

رواج تقلب در گردآوری مالیات به نظام تیول‌داری هم سرایت می‌کرد و تیولداران هم تلاش می‌کردند با نیرنگ‌های مختلف، مبالغ و مقادیری افزون بر مالیات از رعایا دریافت کنند و از یک سو رعیت و از سوی دیگر دربار را برای انتفاع خود متضرر کنند. یکی از این شیوه‌ها در اوایل عصر ناصری بهره‌برداری بی‌قاعده از ملک تیولی بود که آن را تا آستانه ویرانی پیش می‌برد. تیول‌دار در این وضعیت به حکومت اعلام می‌کرد ملک از حیز انتفاع افتاده و عواید آن کفاف مواجب او را نمی‌دهد:

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

می‌توان پذیرفت که سودجویان به هیچ وجه پروای نگهداری و اصلاح ملک را نکنند و حتی تمام هم و غم خود را مصروف بهره‌برداری بی‌قاعده در حداقل زمان بنمایند. این‌ها وقتی که خوب از ملک بهره‌برداری کردند و شیرۀ آن را مکیدند به دولت شکایت می‌برند که از آن پس نمی‌توانند به این کار ادامه دهند. در این صورت یا به آن‌ها ملک دیگری واگذار می‌شود و یا حقوق مباشرت از آن پس به صورت نقدی به آن‌ها پرداخت می‌شود (پولاک، ۱۳۶۸، ص. ۳۵۱).

موقت بودن تیول که معمولاً به زمانی که تیول‌دار عهده‌دار مسئولیت خاصی بود محدود و سبب می‌شد تلاش کند در این زمان محدود بیشترین بهره‌کشی را انجام دهد. جاستین شیل، وزیر مختار انگلستان در ایران در اوایل عصر ناصری، می‌نویسد: «تیول‌دار فقط برای دوره‌ای معمولاً کوتاه و همواره نامعلوم، صاحب زمین می‌شود و هیچ هدفی ندارد جز این‌که تا حد ممکن مالیات و عوارض وصول کند. با برخی وسایل نه چندان معقول، او مالک موقت زمین می‌شود و مالک حقیقی زمین را به‌طور کامل از عواید آن محروم می‌سازد [...] او غالب مالیات‌ها را پیش از تقویم اصلی وصول می‌کند» (لمبتن، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۳).

سرکیسه شدن هم‌زمان رعایا و دربار توسط تیول‌داران، این دو را به هم نزدیک می‌کرد و اتحاد نانوشته و اعلام‌نشده‌ای را بین شاه و رعایا در برابر تیول‌داران برقرار می‌کرد. به این ترتیب ناصرالدین شاه با تجربه‌ای که از تقلب‌های گسترده تیولداران داشت «رضایت رعیت» را شرط برقراری تیول اعلام کرد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، اسناد شماره ۰۸۳ و ۱۱۳).

و در این مسیر از نهاد «مجلس تحقیق مظالم» بهره فراوان می‌برد. این نهاد که برای رسیدگی شخص شاه به تظلم رعایا تأسیس شده بود در ظاهر برای گسترش عدالت و

در باطن برای اطلاع شاه از وضعیت حکمرانی در ولایات ایجاد شده بود (میرکیایی، ۱۴۰۰، صص. ۲۹۵-۳۱۸).

اکنون اگر تیولدار به رعایا اجحاف می‌کرد آن‌ها با تظلم و عریضه‌نگاری به دربار تلاش می‌کردند بهره‌کشی او را مهار کنند و شاه هم می‌توانست مطمئن باشد که تیولدار به نام دربار و به کام خود، رعایا را غارت نکرده است. او معمولاً در این شرایط تهدید می‌کرد که تیول را پس خواهد گرفت و تیولدار را به جمع «دستی بگیرها» ملحق خواهد کرد. عریضه رعایای نطنز که تیول حسام‌السلطنه سلطان مراد میرزا، شاهزاده ذی‌نفوذ قاجاریه، بود به واکنش تند ناصرالدین شاه منجر می‌شود: «در نطنز خیلی خیلی زیادتی شده است. حسام‌السلطنه از دو کار یکی را باید بکند. یا شش هزار تومان از این زیادتی را به اهالی نطنز تخفیف بدهد [...] یا امروز باید نطنز را وا بگذارد مواجیش را از فارس بگیرد» (سعیدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۶).

رعایای «چهارده»، تیول معیرالممالک، نیز به شاه شکایت می‌کنند که مالیات نقدی آنجا ۱۷۰ تومان است، اما نایب معیرالممالک دویست تومان از آن‌ها گرفته و دویست تومان دیگر هم مطالبه می‌کند. شاه در ذیل عریضه، معیرالممالک را به قطع تیول تهدید می‌کند چون می‌داند کارگزارانش نمی‌خواهند دستی‌گیر باشند و تیول را ترجیح می‌دهند: «از معیرالممالک سؤال نمایند که این چه حرکت است آدم او می‌کند؟ قدغن نماید زیاده از مالیات دیوان، دیناری از رعیت گرفته نشود؛ والا تیول او مقطوع می‌شود» (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۹).

رعایای روستای «ابوزیدآباد» کاشان نیز از تیولدارشان به شاه شکایت کرده‌اند و شاه در پاسخ عریضه، تیولدار را تهدید کرده است:

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

چندین سال به تیول نواب رکن‌الدوله بودیم و در مهد امن و امان غنودیم. حال دو سال است به تیول سیدعبدالکریم خان شده‌ایم و از هر جهت از دست رفته‌ایم. کاظم نام شریر را که قاتل جمعی بود بر ما حکمروا نموده است. شب و روز مست و لایعقل به خانه‌های ما و نزد زن‌های ما آمده، با نسوان و صبا یا شوخی و هرزگی می‌کند و با مردان فحاشی و قلاشی می‌کند. مرغ و مواشی ما را در صحرا به صید تازی و بازی می‌دهد و در حاصل و زراعت ما اسب‌تازی می‌نماید.

شاه در ذیل عریضه نوشته است: «به سید عبدالکریم خان اعلام نمایند شر این مرد را از سر مردم رفع کند و دیگری را نایب قرار بدهد؛ و الا تیول او موقوف خواهد شد» (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۲).

همچنین دربار به این نکته توجه داشت که حداقل امکان اگر تیول‌دار حاکم ولایتی بود تیولش در آن ولایت قرار نداشته باشد. برای مثال حسام‌السلطنه سلطان مراد میرزا که در مقطعی والی فارس بود نطنز را به‌عنوان تیول در اختیار داشت (سعیدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۶) یا فرهاد میرزا معتمدالدوله که در دوره‌ای دیگر والی فارس بود طالقان را در تیول داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱، ص. ۱۰۰). نصرالله میرزا پسر حسین علی میرزا نیز که مدتی حاکم سیستان بود اردستان را در تیول خود داشت (لمبتن، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۴).

حاکم ولایت در کشمکش با تیول‌دار

اعطای تیول به ضرر حکومت ولایات بود. دست حاکم ولایت از بخشی از زمین‌هایش کوتاه می‌شد، به‌خصوص که حکام ولایات عموماً به مالیات معین‌شده ولایت پابند نبودند و آنچه را می‌توانستند از رعایا و ملاکان دریافت می‌کردند، اما هیچ نظارت و تسلطی بر زمین‌های تیولی نداشتند. قهرمان میرزا عین‌السلطنه سالور که همراه شاهزاده عمادالسلطنه سالور در حکومت خمسه حضور داشته از ضرر تیول‌ها برای حکومت

خمسه با افسوس فراوان یاد می‌کند: «از نود هزار تومان مالیات خمسہ قریب سی و پنج هزار تومان معامله نقدی می‌شود. مابقی تمام تیول و محل است. حکومت‌ها این طور ضایع و خراب شده. دیگر چیزی برای کسی ندارد» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۲/ص. ۱۰۶۶). او به‌ویژه از این‌که بلوکی همچون انگوران، اوریاد و خوین تیول شده بود خشمگین است: «امسال بلوک‌های معتبر مثل انگوران، اوریاد و خوین تیول شده و قریب سی و چهار هزار تومان به ما ضرر وارد آمد» (همان، ص. ۱۴۹۳) و باز تأکید می‌کند: «تیول شدن این انگوران و اوریاد لطمه سختی به حکومت خمسہ زده» (همان، ص. ۱۵۹۱).

اعطای تیول با خارج شدن آن از نظارت حاکم ولایت نیز همراه بود و فقط به عدم دریافت مالیات محدود نمی‌شد.

لمبتن درباره خارج شدن تیول‌ها از حوزه حکومت ولایات می‌نویسد: «غالباً در اسناد اعطای تیول ذکر شده که مأموران حکومتی نباید به این ناحیه وارد شوند» (لمبتن، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۶). او از نیاسر کاشان نیز یاد می‌کند که چون تیول خواهر محمد شاه بود از حوزه نظارت والی کاشان خارج شد (همان، ص. ۱۰۵). عبدالله مستوفی نیز درباره روستای «نایه» در عراق عجم که تیول پدرش بود می‌نویسد: «البته حاکم [عراق] جرئت تجاوز به ده تیولی مستوفی را نداشت» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۳۳۶). عین‌السلطنه سالور نیز درباره تیول‌های حکومت خمسہ می‌نویسد: «از هفده بلوک معتبر خمسہ فقط به ابهر نایب‌الحکومه می‌رود، آن هم از دوازده هزار تومان سه هزار تومان تمسک می‌دهد، نه هزار دیگر تیول است» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۲/ص. ۱۰۶۶).

متضرر شدن حکام ولایات از رسم تیول آن‌ها را وا می‌داشت به طرق گوناگون تلاش کنند زمین‌های تیولی را به حکومت ولایت برگردانند. برخی از ایشان با

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

بهره‌گیری از فرمان شاه که رضایت رعایا را شرط برقراری تیول قرار داده بود به جعل عریضه‌هایی اقدام کرده و عدم رضایت رعایا را از برخی تیولداران به دربار اعلام می‌کردند. در عریضه اهالی روستای مامیزان ملایر به این فریب حاکم اشاره شده است: سال‌ها در چنگ تعدیات حکام ملایر گرفتار بودیم و از خاک پای همایون شاهنشاهی مستلت نمودیم که این قریه را به تیول ورثه مرحوم سیف‌الملک که به حسن رفتار و سلوک موصوف اند، مرحمت فرمایند. نواب عضدالدوله جهت استیفای نفع خود چند نفر از اوباش ملایر را که ابداً در مامیزان رعیتی و مالکیتی ندارند، برانگیخته، عرض کرده‌اند که تیول را برگردانند. به جیقه مقدس و خاک پای اقدس همایون روح‌العالمین فداه عرض آن‌ها محض تحریک و خلاف واقع است. استدعای این فقرا آن است که ما را تصدق داده، به تیول اولاد مرحوم سیف‌الملک مقرر فرمایند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۳).

بهره‌گیری رعایا از تعارض منافع شاه، حاکم ولایت و تیولدار

به این ترتیب در رسم تیول، چهار گروه ذی‌نفع و درگیر بودند و تضاد یا اشتراک منافع این چهار گروه، آن‌ها را به هم نزدیک یا دور می‌کرد؛ دربار، تیولدار، حاکم ولایت و رعایای تیولات. دربار با اعطای تیول، بخشی از هزینه‌های خود را به صورت مستقیم و بدون دخالت حکومت ولایات و عمال آن‌ها جبران می‌کرد، اما از سویی باید مراقب می‌کرد تیولداران ثقل نکند. حکومت ولایت با تیول شدن زمین‌هایش، بخشی از درآمد‌هایش و به‌طور مشخص مداخلش (آنچه را افزون‌بر مالیات به بهانه‌های مختلف از رعایا می‌گرفت) ازدست می‌داد. تیولدار از این رسم منتفع می‌شد چون مواجش را

در هنگام گردآوری مالیات‌ها از عواید زمین تیولی دریافت می‌کرد و دیگر با براتی در دست در ولایات‌های مختلف سرگردان نبود.

در این میان، رعایا باید از این تعارض‌ها، درگیری‌ها و مناقشات به نفع خود بهره‌برداری و بهره‌کشی‌ها را تعدیل می‌کردند.

عریضه‌نگاری به مجلس تحقیق مظالم با تکیه بر قاعده‌ای که شاه وضع کرده بود یعنی «شرط رضایت رعیت در اعطای تیول» ممکن بود به قطع تیول منجر شود. رعایا در چنین شرایطی، قدرت انعطاف و تغییر وضعیت مناسبات با حکومت را داشتند؛ آن‌ها گاهی تلاش می‌کردند از نظارت حکومت ولایت خارج شوند، در تیول قرار گیرند و گاهی بالعکس. گاه سعی می‌کردند از تیول یک نفر خارج شوند و در تیول فرد دیگری قرار گیرند. گاهی نیز گماشتگان تیول‌داران را تنبیه می‌کردند و در برخی اوقات هم تلاش می‌کردند در تیول شاه یا صدر اعظم باشند تا اجحاف حکومت ولایت و دیوان‌سالاران حکومت مرکزی را پشت سر گذارند، فقط مالیات معین‌شده را بپردازند و برخی اوقات نیز تلاش می‌کردند بدون تغییر وضعیت، تنها رفتار تیول‌دار را اصلاح کنند.

تیول شدن بلوک و روستاها، اگر تیول‌دار منصف بود، برای روستاییان بسیار نافع‌تر از ارتباط با حکومت ولایت بود و به انحای گوناگون تلاش می‌کردند این وضعیت استمرار پیدا کند و زیر سایه حکومت ولایت نروند. عبدالله مستوفی از روستایی به نام «نایه» به عنوان تیول صدساله پدر و جدش یاد می‌کند و می‌نویسد: «به واسطه طول مدت این تیول و کوتاه بودن قلم و قدم حاکم و فراش‌باشی و حول و حوش حکومت، این ده بسیار آباد و رعایا متمول شده بودند» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۱/ص. ۴۷۶). قهرمان میرزا عین‌السلطنه سالور نیز تیول شدن الموت قزوین را به نفع رعایای آن جا می‌داند: «در

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

این مدت که تیول حضرت والا شاهزاده عمادالدوله شده‌اند در کمال رفاه و آسودگی هستند و روزبه‌روز آبادتر شده و رعیت صاحب مکنت شده و از تعدیات حاکم قزوین و همسایگان مصون و محفوظ‌اند» (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج. ۲/ص. ۶۱۵).

در روستای «کهللو» از توابع عراق عجم روستاییان مضطرب‌اند که مبادا از تیول خارج شوند چون تیول‌دار، اضافه بر مالیات، مبلغی از آن‌ها دریافت نکرده است و از شاه می‌خواهند که تیول او مستمر باشد:

پنج - شش سال است که تیول آقا میرزا علی رضا مستوفی هستیم و کمال آسودگی و رفاهیت را داریم و دیناری اضافه بر مالیات نگرفته است و چند نفر از اوباش بی‌سروپا از دست مشارالیه شاکی شده به دارالخلافه آمده‌اند، خلاف و کذب عرض نموده‌اند. از آمدن آن‌ها به دارالخلافه احدی مطلع نبوده و فدویان احدی به غیر از میرزا علی رضا را نخواستند و نمی‌خواهیم. شاه در ذیل عریضه نوشته است: بسیار خوب. تیول باقی باشد (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۷).

رعایای قریه «سرابی» تویسرکان نیز با عریضه‌نگاری به شاه تلاش می‌کنند خود را در تیول فردی که منافع ایشان را بیشتر در نظر دارد باقی نگه دارند:

سی و پنج سال است در تیول نواب معین‌الدوله آسوده‌ایم. امسال از حکومت حکمی رسیده که از تیول موضوعیم. رعیت از فرط وحشت در مقام جلای وطن است. تمام اهل ده از معین‌الدوله و کسان ایشان نهایت امتنان دارند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۱۴).

در این بین گاهی عرایض متناقض به دربار می‌رسید و رعایا بر جعلی بودن درخواست‌های لغو تیول تأکید داشتند، استمرار آن را خواهان بودند. اهالی روستای آرتیمان تویسرکان، تیول شاهزاده معین‌الدوله، به شاه نوشتند:

مسموع افتاد که جمعی مفسد که برای کسب معاش به دارالخلافه آمده‌اند، عریضه ساخته و به امهار حکاکی مشحون نموده، معروض رأی اولیای دولت علیه داشته‌اند که این فقرا و سادات از سلوک و رفتار علی نقی میرزا، پسر معین‌الدوله، شاکی می‌باشیم. چون این مطلب غیرواقع و مضمون مخالف مشهود و مظنون است، به این عریضه جسارت شد که این عرض برخلاف حقیقت و واقع است. استدعا آن که مقرر شود کما فی‌السابق عضدالدوله ما را به تیول معین‌الدوله مقرر داشته، به ایشان واگذارند که نهایت رضایت حاصل است. این بندگان شکایتی از کسان شاهزاده نکرده‌ایم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۸).

رعایای مامیزان ملایر نیز به شاه هشدار می‌دهند که عضدالدوله، والی همدان، برای آنکه روستای آن‌ها را بار دیگر تحت نظر حکومت ولایت قرار دهد عریضه‌های ساختگی به دربار فرستاده و با تقاضای استمرار تیول، تلاش می‌کند سعی والی همدان را بی‌اثر بگذارند:

سال‌ها در چنگ تعدیات حکام ملایر گرفتار بودیم و از خاک پای همایون شاهنشاهی مسئلت نمودیم که این قریه را به تیول ورثه مرحوم سیف‌الملک که به حسن رفتار و سلوک موصوف‌اند، مرحمت فرمایند. نواب عضدالدوله جهت استیفای نفع خود چند نفر از اوباش ملایر را که ابداً در مامیزان رعیتی و مالکیتی ندارند، برانگیخته، عرض کرده‌اند که تیول را برگردانند. به جیقۀ مقدس و خاک پای اقدس همایون روح‌العالمین فداه عرض آن‌ها محض تحریک و خلاف واقع است. استدعای این فقرا آن است که ما را تصدق داده، به تیول اولاد مرحوم سیف‌الملک مقرر فرمایند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۳۰۸).

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

اهالی «کرکو جان» قم که روستایشان تیول بقعه محمد شاه قاجار بوده (مالیاتشان صرف مخارج این بقعه می‌شده) چون متولی‌باشی تلاش کرده آن‌ها را به حکومت بازگرداند در اضطراب و نگرانی به سر می‌بردند به شاه می‌نویسند که از «عهده تحمیلات حکومت برنمی‌آمدیم» و تقاضای ماندن در تیول را دارند تا «حکومت مداخله نکند»:

جميع رعایا متفقاند به تیول مرقد شاهنشاه مرحوم برقرار باشند. عرض این است که تمام رعایا به حالت اولینه خود که به تیول بودیم، نهایت رضامندی داریم. استدعا آن که مرحمت گردد که باز ما را به تیول رجوع داده، حکومت مداخله نکند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۲۹).

حتی گاه خرده‌مالکان یا رعایا از افراد ذی‌نفوذ درخواست می‌کردند طی مذاکره با حکومت مرکزی ملک آن‌ها را تیول خود کنند تا از انواع بهره‌کشی‌های حکومت در امان باشند (لمبتن، ص. ۱۰۶).

اما معکوس این روند نیز رخ می‌داد و اگر رعایا به این نتیجه می‌رسیدند که حاکم ولایت منصف‌تر از تیول‌دار است تلاش می‌کردند از تیول خارج شوند. همچون اهالی روستای «آرتیمان» تویسرکان که تقاضا کردند از تیول خارج شده، زیر نظر حکومت قرار گیرند و علی‌رغم میل تیول‌دار موفق نیز شدند:

پارسال آمدیم از تعدیات کسان معین‌الدوله تشکیات کردیم، رحمت ملوکانه شامل شده، زحمت آن‌ها را از ما بیچارگان برداشتند و ما را از تیول خارج و به حکومت باز گذاشتند. کسان معین‌الدوله به عرایض جعلی پرداخته‌اند که امر را بر اولیای دولت همایونی مشتبه ساخته، باز تیول را مستقر و تعدیات را مستمر دارند. به حق خدا و جیقه مبارکه شاهنشاه دین‌پناه قسم که ما رعیت بیچاره راضی به تیول ایشان نیستیم و از فضل خدا و عدل سایه خدا مسئلت و استدعا داریم که دیگر باره ما را

گرفتار ظلم و ناحساب و رفتار ناصواب کسان شاهزاده نفرماید (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۲۵۴).

روستاییان گاه به تناوب زیر نظر حکومت ولایت و تیول‌دار می‌رفتند و بخت خود را می‌آزمودند تا شرایط مناسب‌تری را برای کاستن از تصاحب دسترنج خود بیابند. اهالی قریه «خمیس» خلخال با وجود آن‌که از تیول‌دار راضی هستند از گماشته او شاکی‌اند و از شاه می‌خواهند یا این شرایط را تغییر دهد و یا بار دیگر آن‌ها را به حکومت ولایت واگذارد:

یک دانگ و نیم از این قریه از مرحوم عبدالحسین خان سرهنگ به ادیب‌الملک انتقال یافته و چون از تعدی حکام خلخال به ستوه آمده بودیم استدعا نمودیم که مالیات خود را به ایشان بدهیم. امر ملوکانه به تیول قریه مزبور صادر شد. چند سال نوعی سرپرستی نمودند. اکنون دوسال است که میرزا عبدالکریم گماشته را بر ما گماشته و از قرار تفصیل، تعدیات وارد آورده. محصول املاک مشترکه مابین مرحوم عبدالحسین خان و سایر ملاک را که همه ساله بالسویه می‌بردیم، بالانفراد می‌برد. سی و پنج خروار غله مزرعه طهرستان را که همه ساله به حکومت داده، قبض می‌گرفتیم، میرزا عبدالکریم می‌برد و دیوان حکومت از ما دو مرتبه مطالبه می‌کند. هرساله تومانی هفتصد دینار خدمتانه می‌دادیم. حالا یک هزار و دویست و پنجاه دینار گرفته بر علاوه شعیره، هشت هزار دینار به اسم مخارج کارخانه خودش می‌گیرد. مالیات جمعی اوباش را که از جوقه مرحوم عبدالحسین خان بوده‌اند، سرشکن ما نموده و آن‌ها در ملک ما زراعت می‌کنند و اغنام ما را به سرقت می‌برند و مع هذا امر را برصاحب تیول مشتبّه می‌نمایند. یا رفع تعدی او را بفرمایند یا کماکان ما را به حکومت واگذارند که مالیات بدهیم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۳).

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

گاهی نیز رعایا تلاش می‌کردند مالیات روستایشان به مصارف دربار اختصاص یابد یا در تیول صدر اعظم باشند تا با اتصال به رأس هرم قدرت، به صورت دائم از دست‌اندازی حکام ولایات آسوده باشند. چنان که رعایای «محن» از توابع بسطام به شاه می‌نویسند:

به عز عرض خاک پای مبارک، روح‌العالمین فدا، رساندیم که مالیات محن را جهت صرف جیب مبارک منظور فرمایند یا به یکی از محارم خلوت مبارکه واگذارند که در سایه عدالت ملوکانه توانیم زندگانی نماییم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶).

ساکنان قریه «نوس ویسا» در عراق عجم نیز امید داشتند که برای فرار از تعدی حاکم عراق عجم در تیول صدر اعظم قرار گیرند:

از تعدی حکومت عراق ملتجی شده بودم، به توسط میرزا بابا بیک فرمانی وعده فرموده بودند که ما را جزء تیولات صدارت عظمی آسوده فرمایند. مکرر هم مستدعی شدیم که ما را به کسی از گماشتگان خود بسپارند[...]. استدعا آن که تصدق نموده، فراری در امر ما بفرمایند (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۲۸).

در چنین وضعیتی بود که عبدالله مستوفی لغو تیولداری پس از مشروطیت را به ضرر روستاییان می‌داند، چون «رعایا مورد انواع و اقسام ظلم و تعدی و اخاذی مأموران دولت واقع شدند و دیگر نیرویی برای مقابله با آنان و ممانعت از اعمال آنها باقی نبود» (مستوفی، ۱۳۷۷، ج. ۲/ص. ۳۳۳).

کنش دیگر رعایا در سایه رسم اعطای تیول، آن بود که تلاش کنند با عریضه‌نگاری به شاه، تیول‌دار خود را عوض کنند و روستایشان را به تیول شخص دیگری درآورند تا

اطمینان بیشتری به حفظ منافعیشان داشته باشند. اهالی قریه «قلعه قاضی» از توابع تویسرکان به شاه نوشتند:

از بابت معاف شدن از تیول میرزا امان الله زیاده از حد شاکر و دعاگوی وجود مبارک بندگان حضرت اجل اکرم مدظله العالی شدیم. اما از خوف تعدیات وارده از عمال و حکام آسوده نیستیم. استدعا از مراحم بیکران حضرت اجل اکرم آن که محض آسودگی این جمع فقیر پریشان، این قریه را به تیول نواب معین‌الدوله مقرر فرمایند که مالیات دیوان را همه‌ساله به گماشته ایشان عاید داشته، از صادرات و واردات احکام، آسوده و دعاگو باشیم (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۰۷۳).

در برخی موارد که قرا و بلوک، تیول بقاع متبرکه یا مدفن شاهان قاجاریه بود متولی، تیول‌دار محسوب می‌شد. رعیت نیز با سنجش مدارا و انصاف این متولیان تلاش می‌کردند بهترین تیول‌دار به‌عنوان متولی بقعه ابقا شود. رعایای قریه «کرمجگان» قم به شاه نوشتند:

این قریه، تیول بقعه شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه است. علی محمدبیک، متولی خوبی بود. بعد از او، آقا محمدکریم هم خودش بسیار خوب بود، اما دو پسر او هزارگونه تعدی به رعیت کرده‌اند. در قریه قاضی به عرض خاک پای همایون تظلم نمودیم. این اوقات خود آقا محمدکریم که مرهم جراحات پسرهای خود بود، فوت شده و پسرهای بالاستقلال متولی گردیده‌اند. به حضرت معصومه^(س) پناه آورده‌ایم و از اعلی حضرت عدلت آیت ملوکانه دادخواهی می‌نماییم که این دو پسر، ما را به نان گرسنه و از جان سیر می‌دارند. استدعای رفع ظلم است (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۹).

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

اگر تیولداران مطمئن می‌شدند که عریضه‌نگاری رعایا در شکایت از آن‌ها به شاه نتیجه‌ای خواهد داشت وادار می‌شدند در مواجهه با رعیت، جانب انصاف را رعایت کنند، زورستانی‌ها را به حداقل برسانند؛ به گونه‌ای که گاه رعایا با جسارت و شجاعت بیشتری با تیولدار و ضابط او رودررو می‌شدند. در چنین وضعیتی گاهی ضابطان به شاه عریضه می‌نوشتند. شفیع بیک، ضابطی که میرزا احمد خان علاءالدوله برای روستاهای ساوه معین کرده بود، در شکایتی به شاه نوشت:

در جزو غلامان علاءالدوله هستم. از بس علاءالدوله سفارش خوش‌سلوکی با رعیت به ما می‌کند، رعیت بر ضابط چیره شده. سید ولی نام با جمعی رعیت مرا غارت کرده‌اند، آنچه داشتم بردند. استدعا آن که مقرر شود حکومت ساوه برسد و احقاق حق نماید (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۴۴).

بنا بر نظریه کرون، حکومت پیشامدرن نمی‌توانست نظارت دقیقی بر کارگزارانش به‌ویژه در نقاط دور دست داشته باشد و همین وضعیت، زمینه‌ساز فساد گسترده‌ای در این حکومت‌ها می‌شد. حکومت قاجاریه نیز از این قاعده مستثنی نبود و آنچه از داده‌های تاریخی به دست می‌آید ناظر بر تقلب‌های فراوان حکام ولایات و تیولداران بود و از آنجا که تیول شدن مزارع و اراضی، آن‌ها را از اختیار حکام خارج می‌کرد حاکم ولایت به تیولدار به چشم رقیبی که از منافع ولایت کاسته است نگاه می‌کرد. در چنین شرایطی، مربعی از صاحبان منافع در رسم اعطای تیول شکل می‌گرفت (شاه، حاکم ولایت، تیولدار، رعایا) و رعایا تلاش می‌کردند از درگیری و منازعه سه رأس دیگر، جهت حفظ منافع خود و تعدیل بهره‌کشی‌ها استفاده کنند. این تلاش رعایا که بیشتر با عریضه‌نگاری‌های جمعی به شاه صورت می‌گرفت به شکل‌گیری نوع دیگری از گروه‌های خودسامان در میان آن‌ها منجر می‌شد که در بخش دیگری از نظریه کرون

به آن اشاره شده است و حداقلی بودن حکومت پیشامدرن را سبب‌ساز شکل‌گیری چنین گروه‌هایی می‌داند.

نتیجه

دربار قاجاریه همچون همه حکومت‌های پیشامدرن، اطلاع دقیقی از وضعیت ولایات نداشت و همین امر امکانی را در اختیار حکام ولایات قرار می‌داد که با فریبکاری و تقلب فراوان به زیاده‌ستانی از روستاییان پردازند و بخش اندکی از آن را به دربار ارسال کنند. دربار همواره با دیده شک و تردید به حکام ولایات می‌نگریست و یکی از راه‌هایی که می‌توانست بخشی از زمین‌ها را از قلمرو و نفوذ حاکم ولایت خارج و قسمتی از هزینه‌های خود را به وسیله آن تأمین کند رسم اعطای تیول بود. به این ترتیب، دست تقلب حکام ولایات از این زمین‌ها کوتاه می‌شد و حکومت مرکزی، لاقابل به اندازه مواجب بخشی از کارگزاران خود، مانع فریبکاری حاکمان ولایات می‌شد؛ وضعیتی که به هیچ وجه مطلوب آن‌ها نبود و از درآمدهای ایشان می‌کاست، اما بسیار مورد علاقه تیولداران بود چون دریافت مواجب نقدی در دیوان‌سالاری قاجاریه دشواری‌های فراوان داشت. اما تیولداران نیز ممکن بود به دریافت مالیات مضاعف و فریب دادن دربار روی آورند. اینجاست که شاه برای مهار کردن آن‌ها به رعیت رو می‌کند و رضایت رعایا را شرط اعطای تیول قرار می‌دهد و به این ترتیب رعیت را ناظر تیول‌دار می‌کند. نهادی که در این مسیر یاری‌رسان اوست «مجلس تحقیق مظالم» است که عرایض رعایا را مستقیم به دست شاه می‌رساند. در این وضعیت، رعایا تلاش می‌کردند از اختلاف منافع دربار، حکام ولایات و تیولداران بهره‌برداری کنند. عریضه‌نگاری به شاه در اعلام رضایت یا عدم رضایت از تیولداران، حربه رعایا برای امتیازگیری از تیولداران بود؛ به خصوص آن‌که تیولداران از قطع تیول واهمه داشتند

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

چون دریافت نقدی موجب که برات آن به حواله ولایات مختلف صادر می‌شد بسیار دشوار بود. رعایا با ارسال درخواست‌های خود به حکومت مرکزی، گاه تمایل خود را به تیول شدن زمین‌هایشان نشان می‌دادند و گاه تقاضا می‌کردند که از تیول خارج شوند و زیر نظر حکومت ولایت قرار گیرند. در برخی موارد از تیول‌داری ابراز نارضایتی و به تیول فردی دیگر ابراز علاقه می‌کردند. گاه تنها درخواست می‌کردند رفتار تیول‌دارشان اصلاح شود و گاهی نیز درخواست جایگزینی گماشته یا مباشر او را داشتند و تلاش می‌کردند از شرایط اختلاف و تعارض منافع سه گروه از فرادستان یعنی دربار، حاکم ولایت و تیول‌داران به نفع خود بهره ببرند و به بهترین وضعیت که کم‌ترین بهره‌کشی فرادستان را به دنبال داشته باشد دست یابند. این کنش‌ها شاهد دیگری بر این ادعاست که رابطه فرادست و فرودست در آن دوره رابطه یک سویه مبتنی بر بهره‌کشی مطلق گروه‌های مسلط از رعیت نبوده است و آن‌ها نیز ابزار خود را برای رسیدن به شرایط نسبتاً مناسب‌تر و کاستن از بهره‌کشی‌ها و زورستانی‌ها داشته‌اند.

منابع

اعتمادالسلطنه، م. (۱۳۷۱). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. به کوشش ا. افشار. تهران: امیرکبیر.
پولاک، ا. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. ترجمه ک. جهاننداری. تهران: خوارزمی.
روششوار، ک. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. ترجمه م. توکلی. تهران: نشر نی.
سعیدی، ح. (۱۳۸۸). *شاه و جناب آقا*. تهران: نشر تاریخ ایران.
عیدامین، م. (۱۳۹۷). *نامه‌هایی به ناصرالدین شاه*. تهران: سخن.
عین‌السلطنه، ق. م. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش م. سالور و ا. افشار. تهران: اساطیر.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۴۴.

- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۰۸۳.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۱۳.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۲۵۴.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۹.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۳۲۲.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۰۷۳.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۲۸.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۷۶.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۳.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۲۹.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۳۰۸.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۲۴۸.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۱۴.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۷.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۹۳.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۲۹۲۹، سند شماره ۱۸۹.
- کرزن، ن. ج. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ج ۱. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

- کرون، پ. (۱۳۹۳). *جامعه‌های ماقبل صنعتی*. ترجمه م. جعفری. تهران: ماهی.
- گوپینو، ژ. آ. (۱۳۸۳). *سه سال در آسیا*. ترجمه ع. هوشنگ مهدوی. تهران: قطره.
- لمبتن، آ. ک. (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*. ترجمه س. فصیحی. تهران: جاودان خرد.
- لمبتن، آ. ک. (۱۳۷۷). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه م. امیری. تهران: علمی و فرهنگی.

بهره‌برداری رعایا از تعارض منافع نخبگان حاکم در رسم... مهدی میرکیایی

مستوفی، ع. (۱۳۷۷). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار. ج ۱. تهران: زوار.

مستوفی، ع. (۱۳۷۷). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار. ج ۲. تهران: زوار.

میرکیایی، م. (۱۴۰۰). تأثیر نهاد مجلس تحقیق مظالم بر مناسبات قدرت در عصر ناصری. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱، ۳۱۸-۲۹۵.

نوایی، ع. (۱۳۸۰). سندی از دوره محمدشاه قاجار و وزارت حاجی میرزا آقاسی. گنجینه اسناد، ۴۴، ۳۱-۲۸.

Subjects' exploitation from the conflict of interests of the ruling elites in the custom of granting Thiol in the Naseri era

Mehdi Mirkiaei^{*۱}

Received: ۲۷/۰۹/۲۰۲۲ Accepted: ۰۶/۰۳/۲۰۲۳

Abstract

The various methods of resistance of subordinates against the ruling groups is one of the subjects that has received less attention in Iranian history studies. During the Qajar period, the Thiol regulations provided opportunities for the villagers to obtain concessions from the Thiol owners and governors of the provinces. This is our question: how did the custom of granting Thiols lead to disputes and conflicts between the ruling groups, and how did the subjects benefit from these disputes? The Qajar court was always faced with many frauds by provincial rulers and bureaucrats in sending taxes to the treasury, and by granting Thiol to some of its agents, removed part of the lands from the reach of provincial governors, a situation that the governors of the provinces did not like. On the other hand, the court was also faced with the fraud of Thiol owners. Naser al-Din Shah announced that a farm will be thiol only if its farmers are satisfied. In this way, it was possible for the subjects to choose a fairer person between the Thiol owner and the ruler of the province or between two Thiol owners, or to change the Thiol owners' agents or to correct their behavior. This research has been done with the causal method and relying on original documents, especially the documents of the

^۱. Assistant Professor of History, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding)

*mehdimirkiaei@atu.ac.ir

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۱۰۱-۰۳۷۸>

Majlese Tahqiqe Mazalem. The theoretical framework of the research based on Patricia Crone's opinions about the characteristics of pre-modern governments. The purpose of this research is to clarify a neglected part of the history of subordinates and to explain their behavior towards the ruling elites in order to moderate exploitation. Before this, no study has been done on this topic.'

Keywords: Qajar; Thiol; Subordinates; Bureaucracy; Naseri era; Pre modern state.

